

یکشنبه • ۱۸ بهمن ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۱۵ • ۹

روزنامه		
جهان		
فروافتادن حجاب‌ها؛مانیفست کمونیستی		صفحه ۱۰
از روان کاوی تا فلسفه		صفحه ۱۱
«۱۰ میلیون تومان بده؛ آزادش کنیم»		صفحه ۱۲

نگاه
به قرن بیست‌ویکم خوش آمدید یوشکا فیشر · وزیر خارجه پیشین آلمان

کاهش ارزش سهام در چین بازارهای بین‌المللی را بی‌ثبات کرده است. به نظر می‌رسد روند صعودی اقتصادهای در حال رشد متوقف شده است. قیمت نفت در حال کاهش است و این موضوع تولیدکنندگان نفت را به‌سوی بحران سوق داده است. کره‌شمالی از نظر هسته‌ای در حال چنگ‌و دندان نشان‌دادن است و اروپا نیز با بحران پناه‌جویان مواجه است که خود سبب دامن‌زده‌شدن به جزومد سسمی و خطرناک ملی‌گرایی شده که می‌تواند تهدیدی برای موجودیت و یکپارچگی اتحادیه اروپا باشد. علاوه‌براین، جاه‌طلبی‌های نوامپریالیستی روسیه و تهدید متوجه از جانب تروریسم مذهبی را نیز باید افزود. به نظر می‌رسد هرج‌ومرج روندی روبه‌رشد دارد. نظم بین‌المللی جعلی به‌وجودآمده در جریان آتش حوادث قرن بیستم در حال رنگ‌باختن است و ما احتمالاً جایگزینی برای آن نخواهیم داشت. دشوار نیست اگر بخوایم جانش‌هایی که با آنها مواجه هستیم را نام ببریم: جهانی شدن، دیجیتالی‌زده‌شدن، تغییرات اقلیمی و … پیامدهای هیچ‌کدام از این موارد روشن نیستند. در حوزه ساختارهای سیاسی نیز ابهاماتی درباره ابتکارعمل‌ها و حل‌وفصل امور از طریق مذاکره و گفت‌وگو وجود دارد. نظم سیاسی و اقتصادی به طور خاص در سطح بین‌المللی، به‌سادگی از طریق اجماع مسالمت‌آمیز با ادعاهای بدون جالش، از سوی قدرتمندترین قدرت‌های جهانی ایجاد نمی‌شود. این موضوع همواره در نتیجه منازعه و مبارزه برای تسلط حاصل شده که اغلب نیز با خون‌ریزی و توحش در طول تاریخ میان قدرت‌های رقیب همراه بوده است. تنها از طریق منازعه بوده که ارکان جدید، نهادها و بازرگان یک نظم نوین پدیدار شده‌اند. نظم لیبرالی غربی از زمان حاکمیت خود از دوران پایان جنگ جهانی دوم به این سو مبتنی‌بر هژمونی ایالات متحده بوده است. به‌عنوان تنها قدرت جهانی، آن کشور نه‌تنها در حوزه قدرت نظامی (علاوه بر قدرت اقتصادی) بلکه در تمام حوزه‌های قدرت نرم از جمله فرهنگ، زبان، رسانه‌های جمعی، فناوری و مد نیز سلطه همه‌جانبه داشته است. امروز این ایده که آمریکا تضمین‌کننده ثبات بین‌المللی است مورد چالش قرار گرفته است به‌خصوص در شبه‌جزیره کره و خاورمیانه. آمریکا ممکن است هنوز هم قدرتمندترین قدرت جهانی باشد اما دیگر قادر با شاید مایل نیست که نقش پلیس جهانی را بازی کند یا برای تضمین نظم وعده‌داده‌شده فداکاری کند. با وجود آنکه احتمالاً در روندی اجتناب‌ناپذیر نظم نوین جهانی ظهور خواهد کرد، بااین‌حال، ارکان آن هنوز قابل‌تخضی نیستند. یک نظم تحت رهبری چین نامحتمل به نظر می‌رسد. چین تمرکز خود را بر حفظ ثبات داخلی و توسعه قرار داده است و احتمالاً جاه‌طلبی‌هایش را برای اعمال کنترل بر مناطق همسایه‌اش به‌خصوص در حوضه ابی حفظ خواهد کرد. علاوه‌براین، چین فاقد هرگونه توانایی در حوزه قدرت نرم است؛ عاملی که برای تبدیل‌شدن یک کشور به رهبر نظم جهانی امری لازم و ضروری است.

به نظر نمی‌رسد در پایان این دوران آشفته نیز شاهد ظهور یک نظم دوم نوین تحت رهبری آمریکا باشیم. باوجود اینکه هنوز هم در حوزه فناوری، آمریکا قدرت سلطه است اما مقاومت‌هایی از جانب قدرت‌های منطقه‌ای و ائتلاف‌های بازدارنده که دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای هستند در این حوزه وجود دارند. درواقع، چالش اصلی سال‌های پیش‌رو احتمالاً مدیریت کاهش نفوذ آمریکا خواهد بود. هیچ چارچوبی برای کنارگیری یک قدرت نظم هژمون وجود ندارد. باوجود آنکه ممکن است که یک قدرت مسلط را بتوان از طریق مبارزه برای سلطه کنار زد اما عقب‌نشینی داوطلبانه یک گزینه نیست چراکه در جریان آن خلأ قدرتی ایجاد می‌شود که می‌تواند نظم و ثبات کل سیستم را به خطر اندازد. درواقع، نظارت و مدیریت دوران پایان «پکس آمریکانه» (صلح آمریکایی) به احتمال زیاد برعهده رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا خواهد بود، خواه هرکدام از نامزدهای کنونی به این مقام دست یابند.

برای اروپا اما یک پرسش دشوار مطرح است. آیا زوال پکس آمریکانا که پیش از هفت دهه در خدمت اروپا بوده و ضامن حفظ نظم لیبرال داخلی اروپا بوده است به طور اجتناب‌ناپذیری وضعیت را به‌سوی بحران سوق خواهد داد؟ رشد نئوسونیالیسم (نوملی‌گرایی) در سرتاسر اروپا نشان می‌دهد که مسیر تحولات به چنین سمت‌وسویی است و می‌تواند پیامدهای هولناکی را داشته باشد. ترسیم چشم‌اندازی تیره‌وار از خودکشی اروپایی دیگر غیرقابل‌تصور نیست. اگر سیاست «انگلا مرکل»، صدراعظم آلمان، درباره پذیرش پناه‌جویان شکست بخورد چه روی خواهد داد؟ اگر بریتانیا اتحادیه اروپا را ترک کند چه می‌شود؟ اگر «مارین لوین» پوپولیست در فرانسه به ریاست‌جمهوری برسد، چه اتفاقی خواهد داد؟ همه اینها در صورت تحقق می‌تواند خطرناک‌ترین نتایج را به‌همراه آورد که غیرقابل‌تصور است؛ اگرچه محتمل خواهد بود.

می‌توان از این خودکشی‌ی جلوگیری کرد. اما آثانی که با خرسندی از موضع مرکز دور می‌شوند و رودرروی آن قرار می‌گیرند، آثانی که علیه هویت اروپایی بریتانیا اقدام می‌کنند و آثانی که از ارزش‌های عصر روشنگری فرانسه دور می‌شوند، آنان تهدیدی علیه همه ما هستند که لبه پرتگاه ایستاده‌ایم. «پکس، یک واژه لاتینی است و «صلح– آرامش» معنی می‌دهد که نخستین‌بار در پکس‌رومانا (Pax Romana) تجلی یافت. تلقی رومیان از «پکس» تنها «صلح» یا شرایط «غیرجنگی» نبود، بلکه وضعیت نادری بود که با سرکوب همه مخالفان و خنثی کردن قدرت مقاومت آنها، پدید می‌آمد. روم پس از غلبه بر همه دشمنان و ربقای خود، سیاست کلان خود را بر «صلح» قرار داد. از منظر سیاسی، پکس به معنی صلح برپایه یک نظم معین است که توسط یک قدرت بزرگ طی اتحادهایی با دیگران یا تحمیل قواعد و هنجارهای خود بر اتباع قلمرو تحت‌نقدوش شکل می‌گیرد.

منبع: پروژه سندیکایی

یکشنبه • ۱۸ بهمن ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۱۵ • ۹

روزنامه		
جهان		
فروافتادن حجاب‌ها؛مانیفست کمونیستی		صفحه ۱۰
از روان کاوی تا فلسفه		صفحه ۱۱
«۱۰ میلیون تومان بده؛ آزادش کنیم»		صفحه ۱۲

یادداشت
میراثی از جنگ سرد

در طول سال‌های جنگ سرد، طرف‌های درگیر در این مناقشه طولانی همواره به‌دنبال راهی به‌منظور حفظ سامانه‌های بزرگ نظامی خود مثل بمب‌افکن یا زیردریایی‌های خود بودند. ساخت آشیانه‌های مستحکم، نصب توری‌های فریب‌دهنده و استفاده از تدابیر پدافند غیرعامل ازجمله روش‌های حفاظت از این تجهیزات بوده است. درعین‌حال، ساخت پایگاه‌های زیرزمینی از جمله راه‌هایی بود که در زمان جنگ سرد بیش از پیش توسعه یافت و بیشتر در حوزه موشک‌های بالستیک به آن توجه ویژه شد.

اما زیردریایی‌ها نیز از جمله یگان‌هایی بودند که نیاز خاصی به این پایگاه‌ها داشتند. در زمان جنگ سرد، شوروی سابق فاقد ناو هواپیمابر و توان ضربه‌زدن متعارف حضور بررنگی داشته و بسیاری از به پایگاه‌های ساحلی آمریکا بود اما برعکس این آمریکا بود که در نزدیکی آب‌های ساحلی شوروی حضور پررنگی داشته و بسیاری از پایگاه‌های دریایی از جمله انتهایی که مربوط به زیردریایی‌های این کشور بود، جزء اهداف اولیه آمریکا و ناوت محسوب می‌شد.

به‌همین‌دلیل روس‌ها برنامه‌های گسترده‌ای را به‌منظور توسعه پایگاه‌های زیردریایی که معمولاً در زیر کوه قرار داشتند، آغاز کردند و عمده این پایگاه‌ها در مناطقی مثل اوکراین، آلبانی و کرواسی ساخته شدند. به‌طورکلی این پایگاه‌ها بر اساس یک ورودی به اندازه شانوار موردنظر ساخته شده و تمامی تأسیسات موردنظر در زیر زمین توسعه پیدا می‌کند. حوضه‌های خشک مربوط به تعميرات، انبارهای نگهداری مربوط به تسلیحات و حتی بخش‌هایی مربوط به اسکان و استراحت خدمه نیز در این شهرهای زیرزمینی ساخته شدند.

ترکیبی از پوشش طبیعی زمین در کنار لایه‌های بتون مسلح که در سقف این پایگاه‌ها به کار رفتند و مقاومت آنها را در برابر انواع حملات موشکی و هوایی شدیداً افزایش داده و درعین‌حال بسیاری از این پایگاه‌ها به دلیل اینکه صرفاً تنها بخش مشخص آن بیرون ورودی آنها بوده است از شناس بالایی برای مخفی‌شدن برخوردار هستند.

اگرچه ماجرایی توسعه این شهرها توسط دو قدرت شرق و غرب، عمدتاً در سال‌های جنگ سرد ادامه داشت اما در سال‌های اخیر نیروی دریایی چین، این تاکتیک و راهبرد را به طور ویژه در دستور کار قرار داده و به‌عنوان‌مثال، پایگاه دریایی «یولین» در سواحل جنوبی جزیره «هائنان» را توسعه داده است.

این پایگاه به صورت اختصاصی برای ناوگان زیردریایی اتمی نیروی دریایی ارتش چین توسعه یافته است و منابع اطلاعاتی اعتقاد دارند که می‌توان تا ۲۰ فروند زیردریایی را در این پایگاه جا داد که محاسبه می‌دهد این راهبرد به‌خوبی توسط ارتش چین درک و پیاده شده است. پس باقدرت می‌توان گفت آمریکا، روسیه و چین در حال نبرد خاموشی هستند که از خاکسترهای جنگ سرد بر جای مانده است.



اوباما: آخرین سال و میراثش

روزا بروکس . مشاور ارشد سابق وزارت خارجه آمریکا

دشوار- توافق هسته‌ای با ایران و رسیدن به توافق تاریخی در کنفرانس تغییرات اقلیمی پاریس- اکثر آمریکایی‌ها درکل مخالف اقدامات او هستند. حتی با کمک‌های غیبی، یک‌سال به اندازه کافی طولانی نیست که او بتواند در خاورمیانه صلح یا دموکراسی واقعی را در روسیه و چین برقرار کند. اما او همچنان می‌تواند چند کار مهم را به سرانجام برساند، البته اگر روی آنها متمرکز شود. در اینجا به چند موضوع مهمی که اوباما می‌تواند در سال ۲۰۱۶ برای همیشه پرورنده آنها را به بایگانی تاریخ بفروستد، اشاره‌ای خواهیم داشت.

مهار تهدیدهای منطقه‌ای

در ۲۰ سال گذشته دولت‌ها و احزاب سیاسی آمریکا موفق به مهار تهدیدهای منطقه شدند اما در زمان تصدی اوباما برای بار دوم، سیاست مهار از هم گسست. شاید بزرگ‌ترین تهدید طولانی‌مدت، ظهور چین با رشد سریع اقتصادی و میل به حضور مجدد در خاورمیانه باشد. دراین‌میان «زی جین‌پینگ»، رئیس‌جمهور چین، با ایجاد نیروی دریایی قادر به انجام مأموریت در آب‌های آزاد و ارتقای توان ضربتی هسته‌ای است. این کشور همچنان در حال ساخت جزایر جدید در آب‌های بین‌المللی است که پکن را قادر می‌کند با کمک پایگاه‌های هوایی و دریایی اعمال قدرتش را به پرواز هواپیماهای آمریکایی به نمایش بگذارد. مسکو نیز در حال ایجاد چالش‌هایی در مقابل ایالات متحده در سراسر جهان است و با مداخله در سوریه سعی دارد نقش آمریکا در خاورمیانه را کاهش دهد. آیا رئیس‌جمهوری کنونی همانند «جرج بوش»، سلفش، که با روسیه بر سر گرجستان در سال ۲۰۰۸ مواجه شد، در سال ۲۰۱۶ با پوتین در خاورمیانه روبه‌رو می‌شود؟

پایان‌دادن به جنگ عراق

اوباما دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش را با پایان‌دادن به جنگ عراق و تعهد برای بازگرداندن سربازان آمریکایی از افغانستان آغاز کرد. برای رسیدن به این اهداف، او محدودیت‌های شدید و زمان‌بندی دقیقی برای استقرار و خروج سربازان آمریکایی تعیین کرد. پیش از استقرار نیروها، اوباما مکرراً از فرماندهان خود توضیحاتی درباره تئوری پشت این اقدام می‌خواست. این مسئله بیشتر محرک برنامه آموزش مخالفان سوری و تردید اوباما درباره این

 	 	 	 	 	
میراث داخلی و خارجی اوباما در سال‌های پس از ریاست‌جمهوری در صورتی شانس بیشتری برای بقا خواهند داشت که حزب او، اهرم‌های کلیدی قدرت در واشنگتن را در اختیار داشته باشد. اوباما نگران این است که دستاوردهای مختلفی از جمله قانون بیمه درمانی تا توافق ایران در صورتی که جمهوری خواهان کنترل کاخ سفید و کنگره را در اختیار بگیرند، با مشکل مواجه شود					

موضوع بود که قدرت نظامی آمریکا می‌تواند تغییرات پایداری در این دو کشور درگیر جنگ ایجاد کند. اوباما تضمین می‌خواست که آیا این عملیات مؤثر خواهد بود و کی و چگونه پایان می‌یابد. اما با نزدیک‌شدن پایان دوران ریاست‌جمهوری‌اش، اوباما با این چشم‌انداز مواجه است که کاخ سفید را در حالی ترک می‌کند که نیروهای زمینی‌اش در سه نقطه جنگی مستقر هستند. رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد که پنج هزارو ۵۰۰ نیروی زمینی خود را برای مشاوره به ارتش افغان و مبارزه با القاعده در افغانستان حفظ خواهد کرد. در عراق و سوریه، اوباما با اعزام چندصد نیروی زمینی در عراق طی سال ۲۰۱۴ پس از شکست ارتش عراق در موصل افزایش حضور نیروهای نظامی‌اش را آغاز کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا ۴۵۰ مستشار و مربی دیگر نیز پس از شکست ارتش عراق در الرامادی عازم عراق کرد. این نیروها قرار بود با ارتش عراق و مبارزان منطقه‌ای و قبیله‌ای در بازبایی کنترل رمادی همکاری کنند. اوباما خسته از عدم پیشرفت در میدان جنگ، در ماه جولای در بازدید از پنتاگون تلاش کرد تا «اشتون کارتر»، وزیر دفاع و فرماندهان ارشدش را برای افزایش عملیات نظامی نیروهای آمریکایی در سوریه و عراق بدون حضور نیروهای زمینی تحت فشار قرار دهد. دراین‌میان اقدامات بلندپروازانه‌تر و پرهزینه‌تری چون ایجاد منطقه پروازممنوع یا منطقه امن نیز که به ده‌هاهزار سرباز برای حمایت از غیرنظامیان نیاز دارد عملاً محلی از اعراب ندارند. «هیلاری کلینتون»، نامزد پیشین دموکرات‌ها در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری آمریکا، اما گفته است که ایجاد منطقه پروازممنوع در سوریه را ترجیح می‌دهد. پیشنهادهای مخاطره‌آمیزی چون اعزام هلیکوپترهای آچاپی یا مستشاران نظامی در خطوط مقدم یا حمله هوایی و تشویق عراق برای حمله به رمادی هم کاملاً رد نشده اما اکنون غیرضروری به نظر می‌رسند.



سخنرانی سالانه رئیس‌جمهوری آمریکا چند هفته پیش در کنگره و در مقابل نمایندگان اکثر جمهوری‌خواه قرائت شد. «باراک اوباما» همچنان یک‌سال دیگر در کاخ سفید حضور دارد؛ یک‌سال دیگر برای اتمام کارهای نیمه‌تمام‌ش، جبران اشتباهات گذشته و زنده‌کردن امید ده‌ها میلیون آمریکایی که در سال ۲۰۰۸ میلادی او را به کاخ سفید رساندند. صاحب‌نظران همچنان می‌گویند اکنون زمان آن رسیده که او بر میراثش متمرکز شود و برای نخستین‌بار آنان راست می‌گویند. میراث داخلی و خارجی اوباما در سال‌های پس از ریاست‌جمهوری در صورتی شانس بیشتری برای بقا خواهند داشت که حزب او، اهرم‌های کلیدی قدرت در واشنگتن را در اختیار داشته باشد. اوباما نگران این است که دستاوردهای مختلفی از جمله قانون بیمه درمانی تا توافق ایران در صورتی که جمهوری‌خواهان کنترل کاخ سفید و کنگره را در اختیار بگیرند، با مشکل مواجه شود. در حقیقت این عجیب است که چرا اوباما در حال‌حاضر توجه بیشتری به سیاست خارجی نمی‌کند. اما دلایلش مشخص است، چون او امید کمی به همراهی حزب جمهوری‌خواه در موضوعات مهم داخلی دارد؛ این مسئله بی‌سابقه است. دولت‌ها اغلب سال آخر دوره خود را صرف امور بین‌المللی می‌کنند، یعنی عرصه‌ای که در آن ابتکارعمل بیشتری برای اقدامات یک‌جانبه دارند. اکنون شرایط عمومی در تضاد با فضایی است که اوباما سوگند یاد کرد. او در حالی در سال ۲۰۰۹ به قدرت رسید که به‌دنبال پایان‌دادن به یک دهه جنگ پرهزینه در خاورمیانه و افغانستان و تمرکز مجدد بر چالش‌های داخلی و تغییر جهت به‌سوی اقیانوس آرام بود؛ جایی که آمریکا با رقیب ژئوپلیتیک و اقتصادی‌ای همچون چین روبه‌رو است. در روزگاری که رقیب جمهوری‌خواه او، «جان مک‌کین»، یک کهنه‌سرباز باتجربه در زمینه امنیت ملی و رقیب درون‌حزبی‌اش، «هیلاری کلینتون»، به جنگ عراق رأی مثبت داده بود، اوباما به‌عنوان کاندیدایی وارد قدرت شد که به‌خوبی خواست مردم برای تعیین سیاست‌ها و تعهدات متفاوت را درک می‌کرد.

اوباما با بدبینی به‌جای استفاده از نیروی نظامی، به دیپلماسی و مشارکت چندجانبه برای حل چالش‌های جهانی روی آورد. او جنگ زمینی با «القاعده» و گروه‌های وابسته‌اش را به گزینه‌های «نیروهای نظامی سبک» شامل نیروهای ویژه و هواپیماهای بدون سرنشین تنزل داد.

اما اوباما اکنون و در سال پایانی ریاست‌جمهوری‌اش با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. اگر او بتواند آمار پایین نظرسنجی‌ها را تحمل کند، می‌تواند در برابر هرگونه تغییر عمده در سیاست خارجی هم مقاومت کند. درعوض، کاخ سفید باید روی تحکیم مهم‌ترین دستاوردهای رئیس‌جمهور تمرکز کند؛ توافق ایران، توافق تغییرات آب‌وهوایی پاریس، توافق تجارت اقیانوس آرام و برقراری روابط با کوبا. این پیروزی‌ها برای میراث و تأیید رویکرد او در سیاست خارجی حیاتی هستند.

اگر اوباما می‌خواهد در سال‌های آخر ریاست‌جمهوری‌اش دستاوردهای قابل‌توجهی داشته باشد، ابتدا باید همانند دورانی که ریاست‌جمهوری‌اش را آغاز کرده بود، نظم داشته باشد. افزایش مداخله در سوریه و عراق منجر به پرت‌شدن حواس کاخ سفید از منافع عمومی و منابع نظامی کشور شد که موفقیت‌آمیز هم نبوده است.

رئیس‌جمهور با سال آخر حیاتی روبه‌رو است. اوباما ممکن است به فکر این باشد تا با افزایش پیروزی‌های کنونی‌اش در سیاست خارجی، بهتر بتواند میراثش را حفظ کند. بااین‌حال اگر او به این چالش‌ها رسیدگی نکند، به‌جای اینکه به‌خاطر اقداماتی که انجام داد به یاد آورده شود، به‌خاطر اقداماتی که انجام نداده، نامش در اذهان باقی می‌ماند.

اکنون جهان کثیف‌تر از همیشه به نظر می‌رسد و واشنگتن در حالت تدافعی قرار دارد. اما جهان شبیه زمانی است که «ریچارد نیکسون» و «هنری کیسینجر» مشغول تدوین سیاست خارجی بودند. ایالات متحده آن زمان در جنگی در آسیا شکست خورده و بیش از نیم‌میلیون نیرو در آجا پیاده کرده بود و اتحاد جماهیر شوروی در حال پیشتازی و مخالفت‌های داخلی رو به افزایش بود. در چنین شرایطی نیکسون و کیسینجر نیروهای نظامی را خارج و با توافق صلحی دشوار موافقت کردند.

وضعیت کنونی اوباما را بسیاری با سال‌های آخر دوره دوم ریاست‌جمهوری «بیل کلینتون» مقایسه می‌کنند. هرچند اوباما مانند کلینتون رسوایی فساد اخلاقی نداشته اما دردرسهای سیاسی او هم دست‌کمی از مشکلات کلینتون ندارد و هرروز فصل جدیدی از بحران برایش گشوده می‌شود. جمهوری‌خواهان گفته‌اند ماجرای فریب افکار عمومی در حمله به بنغازی لیبی را پیگیری خواهند کرد، اعتراض‌ها درباره گوانتانامو همچنان ادامه دارد و اوباما بیشتر از هر کاری حالا باید برای پاسخ‌دادن به مشکلات و انتقادها وقت صرف کند.

رئیس‌جمهور اوباما کار آسانی پیش‌رو ندارد. با وجود انجام برخی امور